



• در سوگ هزار دستان  
• عشق و معنای زندگی  
• فقیه زندگی  
• موفقیت  
• دریچه  
• روزنه

## به نام خداوند بخشنده مهربان

دستی که به «اعتقاد» شک می‌پاشد  
بر چهرهٔ وسوسه بزرگ می‌پاشد

بیپهوده به انتظار تابش هستی  
خورشید به زخم ما نمک می‌پاشد

تا قلب تو را امید واهی بدهد  
بر دامن شهر قاصدک می‌پاشد

باید که فریب خنده‌ها را نخوری  
اشک‌ست که باز قلقلک می‌پاشد

تیرت به خطا که می‌رود می‌بینی  
از هم قطعات شاپرک می‌پاشد

کرکس صفتان حقیقتاً می‌بلعند  
بذر غزلی که دخترک می‌پاشد

اول مهرماه سال ۱۳۱۹ خورشیدی، اعجوبه هنر، خسرو آواز و حافظ موسیقی ایران استاد محمدرضا شجریان در مشهد چشم به جهان گشود. نام و آوازه‌ی بلبل خوش الحان مشهدی بیشتر با موسیقی و صدای ملکوتی‌اش گره خورد، در صورتیکه ایشان در زمینه‌های هنری دیگری هم حرف‌ها برای گفتن داشت. خط نستعلیق زیبای استاد شجریان مثال زدنی است. ابداع سازهای صراحی، شهر آشوب، ساغر، کرشمه، سبو و... از خدمات ارزشمند و ماندگار استاد شجریان است.

استاد محمدرضا شجریان کار خود را با قرائت قرآن آغاز کرد و به دلیل نبوغ خاصی که داشت به سرعت جایگاه خود را در این زمینه پیدا کرد و به صورت افتخاری در رادیو مشهد قرآن می‌خواند. در مسابقات جهانی تالوت قرآن در سال ۱۳۵۷ در مالزی، هنگامی که قاری ایرانی قادر به شرکت در مسابقه نبود، محمدرضا شجریان بدون هماهنگی و آمادگی قبلی، به عنوان نماینده ایران در مسابقه شرکت می‌کند و رتبه دوم جهان را به دست می‌آورد.

## در سوگ هزارستان

\* صالح میرزایی

استاد بعد از مهاجرت به تهران، با توجه به علاقه خاصی که به موسیقی و خوانندگی داشت وارد رادیو تهران شد. از آنجایی که پدر او با خوانندگی محمدرضای جوان مخالف بود، استاد برای خود نام مستعار انتخاب کرده بود و او را به مدت چهارسال به نام سیاوش بیدگانی می‌شناختند. محمدرضا شجریان در سال ۱۳۵۷ همانند بسیاری از هنرمندان آن زمان همکاریش را با رادیو قطع کرد. شجریان درباره این تصمیمش گفته است: «آنجا با روحیات من نمی‌خواند، سیاست پخش صداها را از رادیو تلویزیون، من حس می‌کردم کاباره‌دار دارد تعیین می‌کند.» هوشنگ ابته‌هاج و اعضای گروه «شیدا» و «عارف» نیز پس از واقعه ۱۷ شهریور به نشانه‌ی اعتراض از رادیو خارج شدند. پس از این اتفاق محمدرضا لطفی کانون چاووش را با حمایت هوشنگ ابته‌هاج بنیانگذاری

کرد. در آن زمان، محمدرضا شجریان به همراه شهرام ناظری در چند آلبوم مشترک از کانون چاووش آواز خواندن را بر عهده گرفتند که بیش تر محتوای آنها انقلابی و میهنی بود. از میان آلبوم‌های مشترک شجریان و ناظری می‌توان به چاووش ۲ اشاره کرد که شامل دو سرود بسیار معروف شبنورد و آزادی میشد. یکی از آثار ماندگار در دوران «چاووش» اثری است که امروز با عنوان «سپیده» شناخته می‌شود و مربوط به کنسرت گروه شیدا با آواز شجریان و به سرپرستی لطفی است. این کنسرت در آذر ۱۳۵۸ در دانشگاه ملی اجرا شده است. جمعیت بسیاری در این کنسرت حضور داشتند و تصنیف معروف سپیده «ایران ای سرای امید» که شعر از هوشنگ ابتهاج و آهنگی از محمدرضا لطفی است در همان کنسرت اجرا شده است.

محمدرضا شجریان علاوه بر آوازخوانی، عاقله زیادی به خوشنویسی ایرانی داشت. او از سال ۱۳۴۴ به فراگیری خط نستعلیق نزد اساتیدی چون ابراهیم بودری و حسین میرخانی پرداخت و در نهایت موفق به اخذ درجه ممتاز در خط نستعلیق شد.

از دیگر آثار ماندگار و خدمات ارزشمند استاد شجریان می‌توان به باغ هنر بم اشاره کرد. ایده باغ هنر بم صرفاً یک کار فرهنگی هنری نبود. زمانیکه در بامداد ۱۳۸۲ زمینلرزه بزرگی به مدت ۱۲ ثانیه شهر بم را لرزاند و تلفات و خسارات زیادی بجای گذاشت، دل استاد هم مانند میلیون‌ها ایرانی دیگر لرزید. استاد برای بازسازی بم و در غم فقدان شاگرد بنامش مرحوم ایرج بسطامی، پس از اجرای کنسرت همنوا با بم کلنگ باغ هنر بم را زد. باغ هنر بم مرهمی بود جهت التیام زخم عمیقی که مردم کرمان پس از زلزله بر دلشان نشست بود. استاد آمده بود تا یک تیر و چند نشان بزند. آمده بود تا در کنار مردمش باشد، همان مردمی که سالها حنجره‌اش برای ایشان نغمه‌های داوودی خوانده بود. همان مردمی که با صدای ربناش، ملکوتی‌ترین لحظات را هنگام افطار رقم زده بودند. مردمی که تمام فکر و عشق استاد بودند و آنروز شجریان تنهایشان

نگذاشته بود. استاد شجریان از دل باغ هنر بم در واقع هنر و تاریخ را احیا کرده بود. تاریخی که شدیدترین لرزه‌ها هم نمی‌تواند آن را نابود کند چرا که ریشه در جان و ذهن آدمی دارد، خصوصا اگر تاریخی به اندازه تمام تاریخ باشد. فرهنگ و تاریخ در تمام آثار خسروآواز ایران موج می‌زند.

بیشتر اشعار استاد از غزلیات خواجه شیراز انتخاب شده، و او نقش بزرگ و مهمی در شناساندن حافظ در ایران و خارج از ایران دارد. فرهنگ و تاریخ وقتی با صدای آسمانی شجریان در هم می‌آمیزد، کاری می‌کند کارستان، و استاد فقید این کار را کرد. هم هنرش ماندگار شد و هم شخصیتش. استاد در دل مردم جای باز کرده بود، تا اتفاقات ناخوشایند سال ۱۳۸۸ یک بار دیگر نام شجریان را بر سر زبان‌ها انداخت. اما اینبار به دلیلی غیر از هنر و موسیقی. اینبار هنر مردم‌داری استاد به بزرگترین شکل ممکن جلوه کرده بود. او در پاسخ به سخن نسنجیده رئیس دولت وقت، گفته بود: من صدای این مردم هستم، صدای خس و خاشاک... حضور شجریان در دل‌ها بیمه شده بود. ولی دنیا کوچکتر از آن است که بزرگی چنین انسان‌هایی را طاقت بیاورد.

استاد در پیام نوروزی خود در سال ۱۳۹۵ خورشیدی، با چهره‌ای متفاوت ظاهر شد که نشان از بیماری استاد داشت و خودش صحبت از مهمان ۱۵ ساله‌ای کرد که همراه اوست. دست‌دعای میلیون‌ها ایرانی در داخل و خارج از کشور برای بهبودی استاد رو به آسمان گرفته شد و از خدا شفای عاجل و کامل برای او طلب کردند.

اما او که در اول مهر آمده بود در ۱۷ مهر راه آسمان در پیش گرفت و قدرت بیماری بر زور استاد چربید. مهر ۹۹ با دوستداران هنر و موسیقی بی‌مهری کرد، ولی با تقدیر چه می‌توان کرد؟ سرانجام صبح ۱۹ مهر ماه (یک روز پیش از سالروز خواجه حافظ شیرازی) پیکر استاد آواز ایران در خاک طوس و در جوار فخر ایران زمین، استاد بزرگ ادب فارسی که همه مدیون اویم فردوسی بزرگ، و همچنین شاعر بنام معاصر مهدی اخوان ثالث، برای همیشه آرام گرفت. او آرام گرفته بود، ولی در دل‌ها طوفان به پا کرده بود. علیرغم هشدارهای کرونایی، حضور چشمگیر دوستداران

استاد در زمان خاکسپاری قابل توجه بود. ولی بلبل خوش سخن ایران زمین دیگر رفته بود و نمی توانست برای مردمش ابراز احساسات کند و قدردان حضورشان باشد. آری، تنها صداست که می ماند...  
مرغ سحر رفت، ولی ناله هایش همچنان در گوش مان طنین انداز است.

در جهان همچون تو دیگر قابل تکرار نیست  
کی بسازد خانه‌ی عشاق، چون معمار نیست؟

چون دریغ از ماست بانگ ربنایت سال‌ها  
رنگ و بویی در میان سفره‌ی افطار نیست

صالح میرزایی



# نشش رفتاری که به موفقیت کمک می کند

\* دکتر زهرا غمخوار فرد

چرا یک نفر برای رسیدن به موفقیت تلاش می کند، اما دیگری علاقه‌ی چندانی به پیشرفت نشان نمی دهد؟

در زندگی روزمره، (مثلاً در مدرسه، دانشگاه و محیط کار) از ما خواسته می شود که بهتر و بهتر عمل کنیم. در این حالت است که هدف از زندگی مان، تلاش برای نشان دادن یا اثبات شایستگی مان به دیگران است. در حالی که اگر در ابتدا خودمان شایستگی خود را قبول کرده و به دنبال اثبات آن نباشیم، هدف های زندگی مان حول محور بهتر عمل کردن از دیگران و اثبات آن نمی چرخد.

افراد موفق می پذیرند که اشتباه، جزئی از یادگیری است. برای آنها کسب نمره‌ی بالا ملاک نیست، بلکه اینکه چیزی یاد بگیرند، به آنها انگیزه می دهد. در واقع می توان این طور گفت که انگیزه های درونی برای پیشرفت دارند تا انگیزه های بیرونی مثل نمره. افراد موفق، برای کسب تائید دیگران، به خودشان پشت نمی کنند. زمانی که دیگران ناامید و بی قرار شده و دست از تلاش می کشند، افراد موفق به مقدار راهی که آمده اند فکر می کنند و دست از تلاش خود بر نمی دارند.

اگرچه همه‌ی ما گرایش ذاتی به موفق شدن داریم. اما رسیدن به موفقیت، مستلزم پشت سر گذاشتن وابستگی به دیگران و نیاز به تائید، و پیش روی به سمت جرأت مند بودن و ارزیابی های واقع بینانه از خودمان است. به عبارت دیگر دو مسیر اصلی موفقیت، (۱) استقلال و دور شدن از وابستگی به دیگران، و (۲) گشودگی به کسب تجربه های جدید است، به طوری

که احساساتمان سرکوب نشوند، نادیده گرفته نشوند. از صافی رد نشوند، و امیال و ترس‌ها یا تجربیات گذشته آنها را تحریف نکنند. در واقع گشودگی نشان می‌دهد که فرد تا چه اندازه بزدلی و دفاعی بودن را پشت سر گذاشته و جرأت خلق کردن و ارزیابی واقع‌بینانه از خود را به دست آورده است.

داشتن شش رفتار اصلی می‌تواند تضمین کند در مسیر موفقیت قدم بر می‌داریم:

(۱) انتخاب‌های درست انجام دهیم: زندگی مجموعه از انتخاب‌ها است. انتخاب صحیح به سمت موفقیت و انتخاب غلط ما را به سمت ترس می‌برد. به عنوان مثال، در دانشگاه به جای درس‌های آسانی که به راحتی می‌توان در آن نمره عالی گرفت، درس‌های مشکل ولی مهارت‌ساز را انتخاب کنید.

(۲) روراست باشید: جرأت کنید متفاوت، عوام‌ناپسند و ناهم‌رنگ با جماعت باشید. خصوصاً زمانی که تردید دارید. مسئولیت انتخاب‌های خود را به عهده بگیرید. به عنوان مثال، در کتاب فروشی، به جای کتابی که در لیست پرفروش‌ترین کتاب‌ها است، کتابی را بردارید که بیانگر علاقه‌تان است.

(۳) خود را در موقعیت‌هایی قرار دهید تا به موفقیت برسید: با در خانه نشستن، کسی شما را کشف نمی‌کند. خود را از شرف خیال‌های باطل خلاص کنید. بفهمید در چه کاری خوب نیستید و با آگاه شدن از آنچه استعداد ندارید، استعدادی که دارید را پیدا می‌کنید. اگر استعداد نواختن پیانو دارید، معطل نکنید و به سراغش بروید. در کارهایی که به آنها علاقه دارید اما استعدادی در آنها ندارید، وقت صرف نکنید.

(۴) از حالت دفاع دست بردارید: جرأت کنید تا خود واقعی‌تان را بپذیرید. برای مثال، به جای خیال‌پردازی موفق شدن و بی‌همتا بودن، مهارت‌های لازم برای اینکه چنین فردی شوید را به دست آورید. برای این کار اول باید بپذیرید که مهارت مورد نظر را ندارید.

(۵) اجازه دهید که خود واقعی‌تان نمایان شود: خودی که سال‌ها به خاطر نیاز به تأیید

دیگران، دفن کرده بودید را بنگرید. به خود گوش کنید و صداهای درونی را بشنوید. این بار به جای دفن خود، صداهای دنیا را خفه کنید. به جای اینکه صرفاً به دیگران نگاه کنید که به شما بگویند چه کسی شوید، به آرزوهای شخصی خودتان درباره اینکه چه کسی دوست دارید شوید توجه کنید.

۶) به تجربه گشوده باشید، به طور کامل، شفاف، عمیق، و از روی اخلاص تجربه کنید. بدون حالت عصبی، احساس فشار، یا کمرویی. فقط تجربه کنید. کسب تجربه شما را خودانگیزته و اصیل می‌کند. برای مثال، مکث کنید و گل‌های رز را بو کنید. این روش‌ها به شما کمک می‌کند به جای نیاز به تأیید، رشد شخصی برایتان مهم‌تر خواهد بود، حتی اگر مجبور باشید با ناشناخته‌ها روبه‌رو شوید.





یعنی از آنجا که ویژگی‌های معشوق قابل مقایسه با ویژگی‌های دیگران است، و هیچ چیز دیگری او را خاص و ویژه نمی‌کند، امکان این هست که عاشق او را تاخت بزند. یعنی از او به طمع دیگری چشم‌پوشی کند. به بیان دیگر، در مرحله گرایش، به جز ویژگی‌های معشوق، هیچ امر خاص دیگری میان عاشق و معشوق نیست که او را نسبت به دیگری خاص و ویژه و قیاس‌ناپذیر کند. اما در موقعیت «رابطه»، خاصه آنگاه که مدت کافی از رابطه گذشته باشد، معشوق از سه جهت ویژه و در نتیجه قیاس‌ناپذیر می‌شود: هزینه‌ها، خاطرات و هویت مشترک.

در مرحله گرایش، فرد  $X$  به عنوان معشوق، با فرد  $Y$  از حیث داشتن ویژگی  $a$ ، البته در درجه‌ها و مراتب متفاوت، هیچ تفاوتی نداشت. اگر  $X$  زیباست،  $Y$  هم زیباست، چه بسا زیباتر. اگر ثروتمند است،  $Y$  هم ثروتمند است و چه بسا ثروتمندتر. به همین ترتیب، تنها امر ویژه، احساسی است که عاشق به یکی دارد و به دیگری ندارد؛ که این امر ناظر به عاشق است نه معشوق. اما در مرحله رابطه

# عشق

## و معنای زندگی (۲)

\* مجید صمدی

چیزی هست که  $X$  را از  $Y$  متفاوت و در نتیجه با او غیرقابل قیاس می‌کند؛ و آن، هزینه‌ای است که عاشق در پای  $X$  ریخته است نه  $Y$ ؛ خاطراتی است که عاشق با  $X$  داشته است نه  $Y$ ؛ و هویت مشترکی است که عاشق با  $X$  تشکیل داده است نه با  $Y$ .

می‌توان گفت از این سه جهت، معشوق خاص و ویژه، و در نتیجه قیاس‌ناپذیر می‌شود. و در این مرحله و درست به این دلیل، معشوق دیگر تاخت‌پذیر نخواهد بود.

افزودن این نکته لازم است که چه در وضعیت گرایش و چه در وضعیت رابطه، آنچه عاشق را به معشوق پیوند می‌دهد، احساس و عاطفه «دوست داشتن» است. روشن است که سخن گفتن از عشق، بدون توجه به این عاطفه مثبت، بی‌معنی است. در وضعیت گرایش، عاطفه دوست داشتن، معطوف به ویژگی‌های قیاس‌پذیر معشوق با دیگران است. در وضعیت رابطه، علاوه بر ویژگی‌ها،

عاطفه مثبت به سه امر مذکور هم تعلق می‌گیرد. اما صرف هزینه، خاطره و هویت مشترک، برای تعلق عاطفه دوست داشتن کافی نیست. اگر کفه خاطراتی که ... خوشی و لذت، بر درد و اندوه بچربد، و حمایت و محبت، بر آزار و آسیب بچربد، و هزینه‌های انجام شده نتیجه مطلوبی در پی داشته باشند،

عاطفه مثبت دوست داشتن شدیدتر و عمیق‌تر تعلق می‌گیرد. و پرواضح است که حصول این امر در گرو این است که طرفین، دارای ویژگی‌های خُلقی و منشی مثبتی باشند. می‌بینیم، در اینجا هم دوباره به «ویژگی‌های معشوق» بازمی‌گردیم و ... عاطفه دوست داشتن را بر ویژگی‌های معشوق بازمی‌شناسیم. تناقض ظاهری این است که گفتیم در وضعیت رابطه، معشوق تاخت‌ناپذیر می‌شود؛ در حالیکه، چه در وضعیت گرایش، که عشق مبتنی بر ویژگی‌های قیاس‌پذیر معشوق است، و چه در وضعیت رابطه، که باز هم ویژگی‌ها نقش بنیادی دارند، این ویژگی‌ها هستند که نقش بنیادی ایفا می‌کنند. پاسخ این است که تاخت‌ناپذیری، ناشی از قیاس‌ناپذیری است. و آنچه در وضعیت رابطه قیاس‌ناپذیر است، ویژگی‌های معشوق نیستند، بلکه نتیجه‌های سه‌گانه ویژگی‌های معشوق‌اند. و همین نتایج، که ویژه‌اند، و بنابراین معشوق را قیاس‌ناپذیر می‌کنند، او را تاخت‌ناپذیر هم می‌کنند. این تاخت‌ناپذیری، ناظر به تاخت‌ناپذیری معشوق با کس دیگری است. اما طبق تجربه، آمار و شهودی که این دو را تقویت و همراهی می‌کند، می‌بینیم، در یک وضعیت و مرحله‌ای، معشوق نه تنها با کس و شخص دیگری قابل تاخت‌زدن نیست، بلکه با هیچ «چیز» دیگری هم قابل تاخت‌زدن نیست. یعنی عاشق، معشوق خود را با هیچ انسان دیگری تعویض و تبدیل به احسن نمی‌کند. در غالب موارد، اگر رقیب یا بدیل معشوق، حتی غیرانسان هم باشد، این تاخت‌ناپذیری وجود دارد. مثلاً عاشق به نقطه‌ای می‌رسد که معشوق را با ثروت، قدرت، محبوبیت و غیره هم تاخت نمی‌زند. اما اینگونه نیست که مطلوبیت‌های اجتماعی و فردی در رابطه هیچگونه نقشی نداشته باشند. پیش و پس از رابطه عاشقانه مطلوب‌ها خواسته می‌شوند. اما پیش از رابطه، مطلوب‌ها تا جایی خواسته می‌شوند که در جهت بهروزی فردی عاشق باشند. و پس از رابطه، تا جایی خواسته می‌شوند که در جهت «بهروزی هویت مشترک» یا «بهروزی هویت معشوق» باشند، بسته به اینکه دیگرخواهی در عاشق به هویت معشوق تعلق گرفته باشد یا به هویت مشترک. ازینرو، معشوق «محوریت» می‌یابد در راستای یکپارچه کردن، جهت دادن و متمرکز کردن مطلوب‌های فردی و اجتماعی فرد عاشق.

در قسمت پیش اجمالاً به حوادث حیات و مبانی فقهی مرحوم یوسف صانعی پرداختم. در این قسمت اجمالاً به بعضی از فتاوی آن مرحوم اشاره می‌کنم:

۱. او برابری مسلمان و غیرمسلمان را در حکم قصاص و دیه باور داشت. یعنی رأی‌اش بر آن بود که اگر مسلمانی غیرمسلمانی را بکشد، خانواده‌ی مقتول حقّ دارند قاتل را قصاص کنند یا از او دیه‌ای برابر با دیه‌ی یک مسلمان بستانند.

۲. وی دیه‌ی زن و مرد را نیز برابر می‌دانست و چنین فتوا می‌داد که اگر مردی زنی را بکشد، خانواده‌ی مقتول حقّ دارند قاتل را قصاص نمایند (بدون ردّ تفاضل دیه) یا از او دیه‌ای برابر با دیه‌ی یک مرد بگیرند.

۳. در باب ارث، بر این باور بود که غیرمسلمان (جز کافر معاند دینی) از مسلمان ارث می‌برد؛

همان‌گونه که مسلمان از غیرمسلمان ارث می‌برد. نیز اعتقاد داشت که زن از عین همه‌ی اموال همسرش ارث می‌برد؛ چه اموال منقول، چه اموال غیرمنقول.

## فقیه زندگی (۲)

\* علی علوی

و اگر تنها وارث مرد، همسرش باشد، کلّ ماترک وی به او متعلق است؛ همان‌گونه که اگر تنها وارث زن، همسرش باشد، چنین است.

۴. در باب ربا، حرمت آن را مختصّ به «ربای استهلاکی» می‌دانست و اخذ «ربای استنتاجی» را مجاز می‌شمرد. مراد از ربا، استهلاکی، ربایی است که شخص قرض‌گیرنده، پول را به جهت رفع احتیاج و گذران زندگی، قرض می‌کند و مراد از ربا، استنتاجی، ربایی است که شخص قرض‌گیرنده، پول را قرض می‌کند تا با آن، کار کند و بر سرمایه‌اش بیفزاید. نیز او اخذ ربا، استهلاکی را از غیرمسلمان، فرزند یا همسر، جایز نمی‌دانست.

۵. در باب حقوق مادر، حضانت فرزند را (چه پسر، چه دختر) تا ۷ سالگی با مادر می‌دانست. نیز او را برخوردار از «ولایت» بر فرزند می‌انگاشت و ولایت وی را بر ولایت «جدّ پدری» مقدّم

می‌داشت.

۶. در باب ازدواج، معتقد بود که ازدواج «دائم» مرد مسلمان با زن غیرمسلمان جایز است. نیز ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان، در صورتی که کافر

معاند دینی نباشد، اشکال ندارد. و در صحت عقد نکاح «دائم»، اذن پدر را برای باکره‌ی بالغه‌ی رشیده شرط نمی‌دانست.

۷. در باب معاشرت‌های زن و مرد نامحرم، پوشش پاهای تا مچ را واجب نمی‌دانست؛ به استحباب حبس زن در خانه باور نداشت؛ پیش‌گامی مرد در سلام کردن به زن و دعوت کردن او به غذا خوردن را مکروه نمی‌پنداشت؛ و اختلاط و هم‌کلامی ایشان را، مادام که به حرام و مفسده‌ای منجر نشود، بلامانع می‌انگاشت.

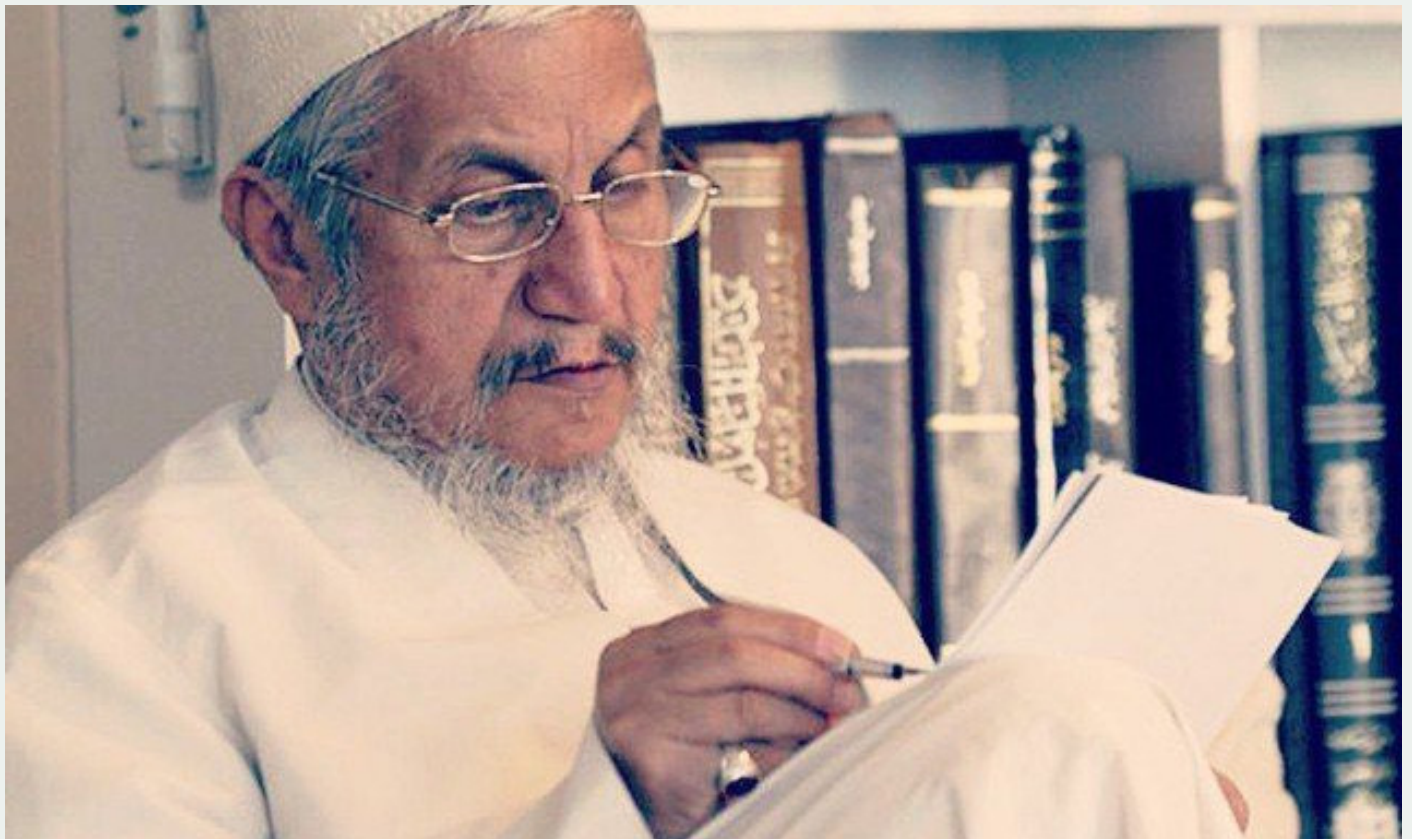
۸. در باب تصدّی مناصب اجتماعی، در قضاوت، ولایت امر، مرجعیّت تقلید، و امامت جمعه و جماعت، مرد بودن را شرط نمی‌دانست. نیز باور داشت که اگر قاضی یا والی، غیرمسلمان باشد، ولی عناد دینی نداشته باشد، قضاوت او میان مسلمانان و ولایت وی بر ایشان، بلااشکال است. ۹. در باب شهادت، ارزش شهادت زن را، جز در موارد منصوص، و با فقدان علل مذکور در نصوص، با مرد برابر برمی‌شمرد. و شهادت غیرمسلمان غیرمعاند را نیز با شهادت مسلمان برابر به حساب می‌آورد.

۱۰. در باب مکاسب محرّمه، شنیدن و نواختن همه‌ی انواع موسیقی را حرام نمی‌انگاشت و حرمت آن را مختصّ به مواردی می‌دانست که بر محتوای باطلی مشتمل باشد. به جواز رقص (در صورت فقدان سایر محرّمات) قائل بود و مجسمه‌سازی و نقاشی را مباح می‌پنداشت. تراشیدن ریش را جایز برمی‌شمرد و بازی با آلات قمار را - بدون برد و باخت و شرط‌بندی - بلااشکال تلقّی می‌نمود.

۱۱. به ویژه در باب عبادات، «سهولت» احکام دینی را یک قاعده به حساب می‌آورد و همین موضوع، فتاوی‌ی وی را در این موارد، آسان‌تر و اجراءپذیرتر کرده بود. استحباب مؤکّد قرائت یک سوره پس از قرائت سوره‌ی حمد در نماز (نه وجوب آن)؛ کفایت گفتن ۱ بار تسبیحات اربعه در رکعات سوم و چهارم نماز؛ عدم وجوب تقدّم قسمت راست بدن بر قسمت چپ در غسل‌ها؛ کفایت غسل‌های واجب و مستحب (که استحباب آن‌ها از طریق روایات معتبر ثابت شده)

از وضو؛ عدم وجوب پرداخت خمس مالی که به خاطر سخت‌گیری و قناعت، از مخارج سال آدمی زیادتر آمده؛ وجوب طواف کردن در حجّ به نحو متعارف و بدون هیچ وسواسی در کیفیت آن؛ و... مصادیقی از این دست است.

۱۲. و بالأخره در باب حدود، در اواخر عمر خود، به ممنوعیت اقامه‌ی آن‌ها در زمان غیبت امام معصوم (عجل الله تعالی فرجه) باور آورد. به عبارت دیگر، اجراء مجازات‌هایی را که حدود و ثغور آن‌ها در متون دینی ذکر شده (از قبیل بریدن دست و سنگسار)، باید به دوران حضور امام معصوم (عج) موکول نمود و در زمان غیبت ایشان باید به اجراء مجازات‌هایی دست زد که حدود و ثغور آن‌ها را نمایندگان منتخب واقعی مردم تعیین می‌کنند. البته در زمانی که چنین رأیی نداشت نیز در باب حدود محتاط بود. مثلاً احکام ارتداد را بر مرتدّان قاصر و محقّق، جاری نمی‌دانست. آنچه آمد، بعضی از آراء فقهی وی است که در کتاب‌هایش آمده. تفحص بیشتر در فتاوی وی بر عهده‌ی پژوهشگر علاقه‌مند است. در پایان، غفران و رضوان الهی را برای وی طلب می‌کنم.



# گزارش دریاچه

\* حلقه مطالعاتی دریاچه

در اواخر شهریور ماه و با پایان یافتن خوانش کتاب «مفهوم شر» در حلقه‌ی مطالعاتی دریاچه، گزارشی از فعالیت‌های این گروه در باب مطالعه‌ی کتاب فوق در شماره‌ی پیشین نشریه‌ی کوچه به اطلاع شما عزیزان رسید. اما در طی دو ماه اخیر سه فعالیت عمده در حلقه‌ی دریاچه صورت پذیرفت که در ادامه به اختصار گزارشی از این فعالیت‌ها ارائه می‌گردد تا از این طریق شما را در جریان برنامه‌های این حلقه‌ی مطالعاتی قرار دهیم.

اولین فعالیت دریاچه در دو ماه گذشته مربوط به نقد و نمایش فیلم داگوئل ماست. این فیلم با توجه به اتمام کتاب «مفهوم شر» و در راستای بحث در مورد این موضوع، برای اعضا و مهمانان حلقه‌ی مطالعاتی دریاچه، در خانه‌ی هنرمندان کرج، به نمایش درآمد. بعد از نمایش فیلم، نقد و گفتگویی میان اعضا و منتقد مهمان در این جلسه نیز صورت پذیرفت. در اینجا از بیان جزئیات مباحث پیرامون فیلم و نقدهای صورت گرفته شده صرف نظر می‌کنیم و تنها به ذکر یک سوال اصلی که در خلال جلسه‌ی نقد فیلم مطرح گردید بسنده می‌نماییم اینکه، «ما تا چه حدی و تا کجا باید خوب باشیم؟». اگر شما نیز به دنبال یافتن پاسخی برای این سوال هستید، به شما توصیه می‌کنیم این فیلم را ببینید تا با چگونگی تحولات درونی شخصیت‌های این فیلم آشنا شوید، اینکه چگونه نیت‌های در ظاهر خیرخواهانه در انتها به اعمالی شرورانه بدل می‌گردند. (نسخه‌ی ویرایش شده‌ای از این فیلم در اختیار حلقه‌ی مطالعاتی غدیر می‌باشد که دوستان در صورت علاقه می‌توانند با اعلام درخواست به مجموعه‌ی غدیر، آن را در اختیار داشته باشند.)

دومین فعالیت یا به تعبیری فعالیت اصلی حلقه مطالعاتی دریاچه را می‌توان فرآیند انتخاب کتاب جدید برای خوانش در گروه دانست. فرآیندی که با معرفی شش کتاب و یک مجموعه کتاب، از سوی اعضای ثابت دریاچه صورت پذیرفت. کتاب‌های کاندید برای خوانش در گروه عبارت بودند از:

- ۱- سلطنت ترس، نوشته‌ی مارتا نوسباوم، انتشارات ترجمان علوم انسانی
- ۲- انسان خردمند، نوشته‌ی یووال نوح هراری، انتشارات چشمه
- ۳- در جستجوی فضاهاى گمشده، نوشته‌ی داریوش شایگان، انتشارات فرهنگ معاصر
- ۴- قدرت اسطوره، نوشته‌ی جوزف کمبل، نشر مرکز
- ۵- فیلسوف و گرگ، نوشته‌ی مارک رولندز، نشر خزه
- ۶- منشا آگاهی در فروپاشی ذهن دوساحتی، نوشته‌ی جولین جینز، نشر نی
- ۷- مجموعه کتاب‌هایی از انتشارات کرگدن

اعضای ثابت حلقه‌ی مطالعاتی دریچه، پس از بحث‌های فراوان و ارایه‌ی نظرات در خصوص کتاب‌های معرفی شده، نهایتاً در یک رقابت تنگاتنگ، در میان سه عنوان اول از لیست کتاب‌های فوق، کتاب «در جستجوی فضاهاى گمشده» را به عنوان کتاب برگزیده جهت خوانش در گروه انتخاب نمودند. در پی این انتخاب اعضای ثابت و مهمان در حلقه‌ی مطالعاتی دریچه این کتاب را تهیه نمودند تا با خوانش این کتاب، فصل جدیدی در برنامه‌ی مطالعاتی این گروه آغاز گردد. در اینجا باید اشاره کنیم که کتاب «در جستجوی فضاهاى گمشده»، به صورت مجموعه‌ای از مقالات می باشد که ذیل این موضوعات نگاشته شده است: تاریخ هنر، شهرسازی، شعر و ادبیات، نقاشی و عکاسی. در راستای تعمیق مباحث، اعضای دریچه تصمیم گرفتند تا بازدیدهایی از مکان‌های هنری اعم از: موزه‌ها، گالری‌ها و اماکن تاریخی و فرهنگی را در خلال مطالعه‌ی این کتاب، انجام دهند. همچنین با توجه به پتانسیل‌های اعضای مجموعه غدیر، قرار بر این شد تا از چند تن از دوستان هنرمند و صاحب نظران در حوزه‌های یاد شده دعوت گردد تا با حضور در جلسات کتابخوانی از نقطه نظرات آنها نیز مطلع گردیم.

سومین فعالیت حلقه مطالعاتی دریچه مربوط به جلسه‌ی اخیر کتابخوانی این گروه می‌گردد که در آن مقاله‌ای از سوی یکی از اعضای دریچه ارائه گردید. این مقاله پیرامون نظرات آدورنو

(Theodor Ludwig Wiesengrund Adorno) فیلسوف و جامعه شناس نئومارکسیست آلمانی ارائه شد. ارائه‌ای که عمدتاً نظرات این فیلسوف مکتب فرانکفورت را مورد بررسی قرار داد، نظراتی که او با نگاه انتقادی خود در خصوص مبحث «هنر متعهد» نگاشته است. این موضوع سبب شد مباحث گوناگونی در طی جلسه‌ی اخیر کتاب‌خوانی مورد بحث میان اعضا قرار گیرد. موضوعاتی که می‌توان مهمترین آن‌ها را در قالب این سوالات بیان نمود:

- هنر متعهدانه یا هنر منتقدانه چیست؟
  - «هنر خودآئین است» چه معنایی دارد؟
  - کارکرد هنر چیست؟
  - کانت و هگل در خصوص هنر چه نظریاتی دارند؟
  - هنر برای هنر به چه معناست؟
  - زیبایی چیست و چه نسبتی فی مابین هنر و زیبایی وجود دارد؟
- (در صورت علاقه‌مند بودن به این مبحث می‌توانید فایل صوتی این ارائه را از حلقه مطالعاتی غدیر دریافت نمایید). چالش‌ها و مباحث پیش آمده در اولین جلسه‌ی خوانش کتاب «در جستجوی فضاهاى گمشده»، به حدی بود که فرصتی برای پرداختن به متن کتاب نگردید. اگر چه انتظار می‌رود با پیشرفت مباحث پیرامون سرفصل‌های کتاب و تعمق بیشتر در این موضوعات، همگرایی بیشتری نیز مابین دیدگاه‌های اعضا ایجاد گردد. با امید به اینکه خوانش این کتاب نیز همچون کتاب‌های پیشین سبب وسعت بیشتر هاله‌ی دانایی دوستان گردد. اگر چه این امید را نیز داریم که همگی با بهره‌مندی از مباحثی که پیرامون هنر در این کتاب مطرح می‌گردد، زیستی هنرمندانه‌تر را نیز تجربه نماییم.

# گزارش روزنه

\* عرفان پرستش

سلام علیکم، حالتان چطور است؟

در این نابسامانی‌ها روزنه‌ای برای ورود به آرامش پیدا کرده‌اید یا نه؟

اینبار هم می‌خواهم راجع به کارهایی که در این دو ماه اخیر کرده‌ایم صحبت کنم. اول بگویم درباره آنلاین بودن جلسات، که دیگر به مجازی بودنش عادت کرده‌ایم. در واقع کرونا عادتمان داد و کم‌کم اتمسفر جلسه مجازیمان گرم و مطلوب شد. راجع به ارائه‌هایی که در روزنه پیش می‌رود بگویم. یکی پیشبرد طرحواره آرشام است که در ماهنامه‌های قبلی هم درباره‌اش گفته‌ام. مبحثی که از آن طرحواره در حال ارائه هست سخنرانی‌ای از استاد ملکیان است با نام «چرا باید اخلاقی زیست». تقریباً چهار جلسه این موضوع را پیش برده‌ایم، البته هنوز تمام نشده. ارائه‌ی دیگری که در روزنه داشتیم کتاب «انسان چگونه خردمند شد» بود. در میان این ارائه‌ها بحث‌های جالبی مطرح می‌شد که شاید بیشتر وقت کلاس را به آنها اختصاص می‌دادیم. از این بحث‌ها چیزهای زیادی می‌شود یاد گرفت. مثلاً درباره تاریخ، دین، فلسفه و... خوبی این بحث‌ها این است که می‌شود از آنها عصاره مطالعات و مشاهدات و برداشتهای چند نفر را در زمان کوتاهی دریافت کرد. غیر از این موضوع که بحث‌ها در کسب اطلاعات مختلف به ما کمک می‌کنند، یک چیز دیگری هم برای من خیلی حائز اهمیت است؛ اینکه با شرکت در این گفت‌وگوها می‌توان راه و رسم گفتمان را یاد گرفت، تمرین صبر کرد و قدرت منطق و استدلال خود را آزمود. بگذریم. بیا بیا یک قسمت از مقدمه کتاب انسان چگونه خردمند شد را در اینجا ببینیم:

... این کتاب درباره تفکر انسان است و در پی شرح آن است که چگونه انسان به این شکل منحصر به فرد ظهور پیدا کرده است؟ در این کتاب فرضیه تکامل تفکر به نقل از گاردن فورس که تلفیقی از داده‌های رشته‌های مختلف علمی است، با الهام از نسخه انگلیسی کتاب *How Homo became sapiens?* شرح داده می‌شود. کتاب حاوی روایتی است در مورد این که چگونه گنجایش شناختی انسان خردمند به شکل امروزی خود رسیده است ...

این کتابی بود که این چند ماه در کنار هم پیش بردیم و تمام کردیم و از آن لذت بردیم. بله بسیار لذت بخش است که در محیطی باشی که حرفی از کرونا نیست، حرفی از سیاست نیست و... ما با روزنه پراتنزی باز کردیم در میان این سطرهای پر هیاهوی رویدادهای اطرافمان. راستی، بحث کودکان کار از جلسات بعدی در برنامه ماست و جایگزین ارائه کتاب می‌شود. خب حالا در آخر گزارشم می‌خواهم از طرح جدیدی که در جلساتمان داریم بگویم. تصمیم گرفته‌ایم که فیلم ببینیم و بعد در کلاس درباره آن بحث کنیم. اولین فیلمی که انتخاب کردیم: «وقتی نیچه گریست» است. در گزارش‌های بعدی راجع به این فیلم هم با شما صحبت خواهیم کرد. تا آن روز خداحافظ شما.



# گزارش عملکرد مهر ماه

\* خانه فرهنگی غدیر

الف) اهدای مرحله پنجم سبد کالا به خانواده‌های معزز، شامل ۹ قلم جنس، برنج ده کیلویی، دو عدد روغن مایع، دو قوطی رب، دو عدد ماکارانی، یک کیلو لوبیا و عدس، دو کیلو قند، چای و سیب.

ب) با لطف یکی از همیاران، فرصت کار پاره‌وقت در خانه برای چند نفر از بانوان ارجمند فراهم شد که با آموزش کوتاه‌مدت، عزیزان کار در خانه را شروع کردند.

ج) برنامه‌ریزی و هماهنگی با دبیران عزیز که داوطلب هستند جهت برگزاری کلاس‌های تقویتی در قسمت پشتیبان تحصیلی انجام شد. جلسات آموزشی از جمعه دوم آبان شروع می‌شود و تا آخر آذر (قبل از شروع امتحانات دی ماه) ادامه می‌یابد.

د) برگزاری جلسات مشاوره همانند ماه‌های گذشته، که برای برخی از دانش‌آموزان و به درخواست دوستان پشتیبان برگزار گردید. با توجه به نیاز برخی دانش‌آموزان به مراکز معتبر بیرون نیز ارجاع داده شد.

و) برگزاری جلسه نقد و تحلیل فیلم داگوئل در خانه هنرمندان کرج توسط دوستان حلقه مطالعاتی دریچه. در این جلسه نقد و تحلیل فیلم با حضور دکتر خستو انجام گردید.

ز) برگزاری جلسات حلقه‌های مطالعاتی دریچه و روزنه طبق تقویم اعلام شده توسط دو گروه.

ه) انتشار شماره‌ی مهرماه نشریه کوچه.

# گزارش داخلی

\* عملکرد آبان ماه خانه فرهنگی غدیر

الف) دریافت کدبوردی برای ۳۰ نفر از بچه‌های تحت پوشش (مرحله‌ی اول) و آغاز یک برنامه‌ی بلند مدت جهت سرمایه‌گذاری برای دانش‌آموزان (برای آینده شون)

ب) برگزاری کلاس‌های تقویتی برای دانش‌آموزان جهت آمادگی برای آزمون میان ترم و پایان ترم در دروس عربی، ریاضی، زبان و علوم در دو مقطع ابتدایی و دبیرستان (در طی ۵ هفته)

ج) تهیه‌ی کتاب‌های کمک آموزشی و توزیع اون‌ها بین دانش‌آموزان مقطع دور اول دبیرستان و دانش‌آموزانی که امسال برای کنکور دارن آماده میشن.

د) توزیع ۱۲۰۰ ماسک که توسط یکی از همیاران عزیز اهدا شده بود بین خانواده‌های تحت پوشش.

و) برگزاری جلسات مشاوره برای دانش‌آموزان عزیز با توجه به اعلام نیاز پشتیبانان تحصیلی این جلسات در طول هفته با توجه به نوع نیاز دانش‌آموز؛ بصورت تلفنی یا بصورت حضوری در خانه‌ی غدیر و گاهی بصورت مراجعه به مراکز تخصصی انجام می‌شود. که جا داره از مشاور عزیزمون تشکر ویژه کنیم که بی‌دریغ بذل وقت و انرژی می‌کنند.

ز) پیگیری و ارجاع مسائل پزشکی ۴ خانواده به پزشک متخصص و مرکز درمانی.

ه) برگزاری جلسات تخصصی داخلی خانه‌ی فرهنگی غدیر جهت برنامه‌ریزی مشورت پیگیری کارها و اجرای موارد تعیین شده که شامل این موارد شدند:

- برگزاری جلسه‌ی گروه «هم‌اندیشی» جهت بررسی چگونگی عملیاتی کردن تفاهم‌نامه با جهاد دانشگاهی
- برگزاری جلسات گروه «پشتیبانان تحصیلی» جهت هماهنگی و تبادل نظر مسائل پیش روی دانش‌آموزان
- برگزاری جلسه‌ی گروه «مسیر سبز» جهت هماهنگی و تبال نظر در جهت مددکاری خانواده‌های جدید

ح) برگزاری جلسات حلقه‌های مطالعاتی «دریچه» و «روزنه» لازم به ذکر است که هر دو گروه با ورود اعضای جدید و انتخاب مبحث نو فصل جدیدی رو آغاز کرده‌اند.

از اینکه با ما همراه بودید متشکریم

\*خانه فرهنگی غدیر